



Research Article

An Evaluation of Precautionary Arguments with the Approach of Permitting Artificial Insemination in a Surrogate Uterus

Mohammad Zarvandi Rahmani¹

Received: 27/01/2021

Accepted: 02/09/2021

Abstract

Undoubtedly, the 20% number of infertile men and women in Iran, which is higher than the average infertility of other countries, is a social problem for the Islamic system. The depth of this problem becomes clearer when we take a brief look at its devastating harms, such as depression, frustration, and divorce. Fortunately, many communities have cured this problem with the help of advances in medical knowledge through artificial insemination in a surrogate uterus. This scientific solution has faced a religious obstacle in Islamic and Shiite societies. Many great jurists have issued fatwas on impermissibility, and the main reason for them is to adhere to the principle of precaution in all matters, including the rulings of vulvae. This paper intends to criticize the inclusion of this rule on artificial insemination in order to remove the religious obstacle of artificial insemination in the surrogate uterus. In this regard, after explaining the issue, the discussion of the background and arguments of the opponents, especially the precautionary principle, has been examined and criticized, and at the end, the arguments of the proponents have been presented and some problems have been answered. Finally, it was concluded that infertile couples could be treated by artificial insemination in a surrogate uterus, while avoiding side Haram practices.

Keywords

Isalat al-Ihtiyat, Haram doubts, vulvae, artificial insemination, surrogate uterus.

1. Associate Professor, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. m_zarvandi@miu.ac.ir.

*Zarvandi Rahmani, M. (1400 AP). An Evaluation of Precautionary Arguments with the Approach of Permitting Artificial Insemination in a Surrogate Uterus. *Journal of Fiqh*, 28(107), pp. 179-199.

Doi: 10.22081/jf.2021.58878.2129.

Copyright © 2021, Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مقاله پژوهشی

بررسی ادله احتیاط با رویکرد جواز تلقیح مصنوعی در رحم جایگزین

محمد زروندی رحمانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۸

چکیده

بی‌گمان آمار بیست‌درصدی زنان و مردان نازا که از متوسط نازایی دیگر کشورها بیشتر است، معضلی اجتماعی برای نظام اسلامی است. عمق این مشکل هنگامی روشن‌تر می‌شود که نگاهی اجمالی به آسیب‌های خانمان‌سوز آن، همانند افسردگی، ناامیدی و طلاق داشته باشیم. خوشبختانه بسیاری از جوامع با کمک پیشرفت‌های دانش پزشکی از طریق تلقیح مصنوعی در رحم جایگزین، این مشکل را علاج کرده‌اند. این راه‌حل علمی و جوامع اسلامی و شیعی به مانع شرعی دچار شده است؛ زیرا بسیاری از فقهای عظام فتوا به عدم جواز داده‌اند و دلیل اصلی آنها تمسک به قاعده احتیاط در امور هامه از جمله احکام فروج است. این نوشته بر آن است که در راستای رفع مانع شرعی تلقیح مصنوعی در رحم جایگزین، شمول این قاعده را بر تلقیح مصنوعی موردنقد قرار دهد. در این رابطه پس از تبیین مسئله، بحث از پیشینه و ادله مخالفان، به‌ویژه قاعده احتیاط، بررسی و نقد شده و در پایان ادله موافقان ارائه و برخی از اشکالات پاسخ داده شده است. سرانجام این نتیجه حاصل آمد که درمان زوجین نابارور از طریق تلقیح مصنوعی در رحم جایگزین، با پرهیز از محرّمات جانبی، روا است.

کلیدواژه‌ها

اصالة الاحتیاط، شبهات تحریمیة، فروج، تلقیح مصنوعی، رحم جایگزین.

^۱ m_zarvandi@miu.ac.ir

۱. دانشیار جامعة المصطفی العالمیة، قم، ایران.

* زروندی‌رحمانی، محمد. (۱۴۰۰). بررسی ادله احتیاط با رویکرد جواز تلقیح مصنوعی در رحم جایگزین. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، ۲۸(۱۰۷)، صص ۱۷۹-۱۹۹.
Doi: 10.22081/jf.2021.58878.2129.

مقدمه

فقه امامیه از منبع وحی برآمده و از سرچشمه معارف نبوی و علوی سیراب، و با زحمات باورنکردنی فقها به بار نشست و ثمره طیبه آن نظام فقهی و حقوقی بی‌نظیر با ویژگی‌های منحصر به فرد غنا، جامعیت، کارآمدی و قدرت استخدام دانش روز، مانند تلقیح مصنوعی برای حل مشکل زنان و مردان عقیم است.

اهمیت ویژگی اخیر هنگامی خودنمایی می‌کند که بدانیم بیست درصد از زوجها از داشتن فرزند محروم‌اند و این مسئله پیامدهای منفی زیادی را در عرصه‌های گوناگون در پی دارد؛ از جمله ناامیدی، افسردگی، طلاق، کاهش و پیری جمعیت، جابجایی جمعیت‌های شیعه و سنی و جابجایی جایگاه‌های سیاسی.

اهمیت و ضرورت استخدام دانش روز پزشکی، مانند تلقیح مصنوعی، از سوی فقها منحصر به حل معضل زوجین نازا نیست، بلکه در افقی است که این پدیده شگفت پزشکی پیش روی دانش پزشکی گشوده و به کمک پیشرفت‌های مهندسی ژنتیک در کاهش شیوع بسیاری از بیماری‌های وراثتی مثل تالاسمی تأثیر گذار است و نیز تولد نوزادانی با ضریب هوشی بالاتر را نوید می‌دهد؛ بنابراین بحث از رفع مانع شرعی تلقیح، ضرورت بلکه وظیفه شرعی و ملی است. بسیاری از جوامع بشری نیز از طریق تلقیح مصنوعی مشکل نازایی زنان و مردان عقیم را علاج کرده‌اند. این راه در جوامع اسلامی و شیعی به مانع شرعی فتوای فقها مبنی بر عدم جواز دچار شده است؛ از این رو بحث فقهی جواز و عدم جواز تلقیح مصنوعی برخوردار از اهمیت و ضرورت است.

پیش از آغاز بحث توجه به نکات ذیل لازم است:

۱. این نوشته در مقام اثبات جواز تلقیح مصنوعی از منظر حکم تکلیفی است، اما احکام وضعی مانند الحاق نوزاد به صاحبان نطفه، ارث و محرمیت نیاز به نوشته‌ای مستقل دارد.

۲. مدعا جواز اصل تلقیح مصنوعی، به شرط پرهیز از محرمات جانی است.

۳. از آنجا که دلیل اصلی مخالفان جواز تلقیح مصنوعی قاعده احتیاط در احکام

مرتبط با فروج است، این نوشته برای اثبات جواز تلقیح، ناگزیر باید بحث احتیاط را با تفصیل بیشتر نقد و بررسی کند؛ از این رو بیشتر حجم مقاله به آن اختصاص پیدا کرده است. پرواضح است که با نقد قاعده احتیاط، مستند مخالفان ناتمام و در نتیجه تلقیح مصنوعی جایز خواهد بود.

۴. نقد و بررسی قاعده احتیاط ناظر به اثبات جواز تلقیح است، از این باب که نتیجه قهری خدشه در قاعده، منع تطبیق آن بر مصادیق، و از جمله تلقیح مصنوعی است.

۱. تبیین بحث

فقها برای تلقیح مصنوعی اقسام گوناگونی را تصور کرده‌اند؛ از جمله صورتی که بیشتر فقها بر اساس قاعده احتیاط در فروج، فتوا به حرمت داده‌اند، عبارت است از اینکه اسپرم مرد در رحم زوجه غیر شرعی قرار گیرد؛ اعم از اینکه او محرم باشد و یا نباشد، و اعم از اینکه شوهر داشته باشد یا نداشته باشد، و در صورت اول چه شوهر راضی باشد یا نباشد.

این فتوا موجب شده تا حکم جواز تلقیح مصنوعی لاینحل باقی بماند؛ زیرا قریب به اتفاق مراجع معاصر آن را غیر شرعی می‌دانند؛ از جمله آیات عظام امام خمینی، سید عبدالاعلی سبزواری، صافی گلپایگانی، تبریزی، وحید خراسانی، سیستانی، (امام خمینی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۶۶۳، م ۳؛ سبزواری، ۱۴۳۰ق، ص ۲۴۸؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۷۷؛ تبریزی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۷۶؛ وحید خراسانی، ۱۳۷۹، ص ۶۱۳؛ سیستانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۶۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۶۳). همچنین بعضی از مراجع صرف نظر از محرمات جانبی، آن را فی نفسه جایز دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴، ص ۲۸۰).

شاهد این که مستند حرمت تلقیح مصنوعی در این بحث، قاعده احتیاط در فروج است، عبارت است از اینکه برخی از فقها در مقام استدلال به روایاتی مانند «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَقْرَبُ نُطْفَتَهُ فِي رَحِمٍ تَحْرُمُ عَلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۵، ص ۵۴۱)، ضمن طرح اشکالات سندی و دلالتی، تصریح کرده‌اند که این روایات تنها دلیل حرمت قاعده احتیاط در فروج است (محسنی، ۱۳۸۲، ص ۹۷).

۲. پیشینه بحث

بررسی تاریخ مباحث فقهی، تأثیر غیرقابل انکار در فهم صحیح مطلب و رسیدن به واقعیت دارد؛ به ویژه علوم نقلی که مانند علوم عقلی ضابطه بردار نیستند. از این رو توجه هر چند گذرا به آن ضروری است. به گمان قوی، مسئله وجوب احتیاط در شبهات مربوط به باب نکاح، اولین بار در کلمات علامه حلی دیده شده است. در این قسمت با هدف آشنایی با تاریخ این مسئله، به برخی از عبارات فقها اشاره می‌شود:

«والفروج تجب الاحتیاط فیها» (حلی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۹۷)، «وحکم الفروج مبنی علی کمال الاحتیاط» (محقق ثانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۲۶)، «مع وجوب الاحتیاط فی الفروج» (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۰، ص ۱۱۸)، «مع وجوب الاحتیاط فی الفروج لأن حل الفروج امر توقیفی فیتوقف علی النص وبدونه ینبغی لاصالة عدم الحل» (بحرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۲۶)، «والاحتیاط فی الفروج» (طباطبائی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۱۷)، «الفروج المبنی امرها علی الاحتیاط بحکم العقل والنقل» (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۷۸)، «لان الاحتیاط فی الفروج اولی» (حلی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۱۶۶)، «الاحتیاط فی الفروج اولی» (شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴)، «وان کان الاحتیاط فی الفروج اولی» (شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۴۰۴)، «مع اولویة الفروج بالاحتیاط من غیرها» (بحر العلوم، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۰۹)، «طریقة الاحتیاط تقضی الایتهجم علی اشباحة الفروج الایبتعین» (فاضل آبی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۱۷۳)، «ولکن الاحتیاط... سیما فی احکام الفروج امر مطلوب عند الشارع» (نراقی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۱۵)، «الاحتیاط لا ینبغی ترکه خصوصاً فی النکاح... والاصل تحریم الفرج الی ان یثبت سبب الحل» (نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۳۰، ص ۲۳۶)، «والاحتیاط فی مثل حرمة المعقوده مستلزم للتفتیش من عیوب الناس من هو عینه فیکون الاحتیاط بترك الاحتیاط» (میرزای شیرازی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۱۸)، «اما الثالث فلان الاصل (اصالة الاحتیاط) لا یرجع الیه مع الدلیل» (روحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۲، ص ۲۱)، «ان الفروج یکون المطلوب فیها شدة الاحتیاط خصوصاً مع ملاحظة اصالة عدم تحقق الزوجیه» (فاضل لنگرانی، ۱۴۲۳ق، ص ۶۳)، «وهذا هو الوجه فی تسالمهم علی اصالة الحرمة فی جمیع ما کان من هذا القبیل.»

۲-۱. جمع بندی

آنچه ملاحظه شد، عبارت بیشتر منابع فقهی در قاعده وجوب احتیاط در امور هامة در خصوص احكام فروع بود. از عبارت فقها، فراز و فرود و تطور مسئله تا حدی روشن می شود. از جمله:

الف. دلالت عبارت فقها بر وجوب احتیاط به شکل های مختلف است:

۱. دلالت صریح و به شکل فتوا، مثل کلام علامه و مقدس اردبیلی.
۲. دلالت صریح، ولی به شکل استدلال، مثل محدث بحرانی، شیخ انصاری، فاضل لنکرانی و محقق نائینی.

۳. دلالت به اطلاق، مثل محقق ثانی، فاضل لنکرانی و طباطبائی صاحب ریاض.

۴. دلالت بر وجوب ندارد، فقط بر اولویت دلالت دارد؛ بیشتر عبارت ها از این قسم است؛ مثل فخرالمحققین، شهید اول، شهید ثانی، بحر العلوم، صاحب جواهر، میرزای شیرازی و روحانی.

ب. اولین فقهی که متعرض این بحث شده، علامه حلی است. پس مسئله اجماعی و برخوردار از شهرت نیست. از سوی دیگر، عمر طولانی ندارد.

ج. قائلان به وجوب احتیاط اندک اند و بیشتر تصریح به اولویت و استحباب دارند. آنان یا عبارت مطلق و عموم به کار برده اند که قابل تقیید است و یا وجوب احتیاط را مستدل و مستند به اصل فساد و یا استصحاب عدم تحقق عقد و علقه زوجیت کرده اند که قابل خدشه و نقض است.

د. با توجه به امور فوق، قاعده احتیاط نمی تواند مستند فتوای حرمت تلقیح مصنوعی باشد.

۳. تقریر محل نزاع

تحریر موضوع در مباحث علمی مورد اختلاف، اولین گام لازم در راستای رسیدن به واقع مطلب است. این ضرورت در پدیده های علمی که ابعاد مختلف علمی دارند، مانند

مسئله مورد بحث دوچندان است؛ از این رو لازم است با تذکر چند نکته، محل نزاع تقریر شود:

۱. بی گمان رعایت احتیاط اگر موجب عسرو حرج، اختلال نظام و تضييع حقوق دیگران نشود، شایسته و نیکو است.

۲. هدف مقاله نقد شمول قاعده بر احکام مرتبط با فروج در خصوص تلقیح مصنوعی در رحم جایگزین است، نه دو مصداق دیگر. مباحث دیگری که مرتبط با فروج است نیز خارج از بحث است.

۳. مدعای نوشته اشکال بر قاعده وجوب احتیاط در احکام و شئون فروج، از جمله تلقیح مصنوعی است.

۴. فقه‌های اصولی و اخباری در چند امر درباره وجوب احتیاط اتفاق دارند:

الف. در شبهات تحریمیه قبل از فحص.

ب. شبهات وجوبیه قبل از فحص.

ج. عدم وجوب احتیاط در شبهات وجوبیه بعد از فحص. ولکن درباره وجوب و عدم وجوب احتیاط در شبهات تحریمیه پس از فحص اختلاف کرده‌اند. مورد بحث، داخل در این صورت است.

۵. فقه‌های اخباری بر این باورند که احتیاط واجب است و فقه‌های اصولی به برائت و عدم وجوب احتیاط قائل‌اند.

۶. فقه‌های اصولی در فقه بر خلاف مبنای مسلم عدم وجوب احتیاط در شبهات تحریمیه بعد از فحص، در خصوص امور هامة از جمله باب فروج، قائل به وجوب احتیاط شده‌اند. این مقاله در پی آن است که ثابت کند مبنای اینان در اصول صحیح و رفع ید از آن در امور هامة به‌ویژه فروج، از جمله تلقیح مصنوعی، بی‌وجه است.

۴. ادله قائلان وجوب احتیاط

ادله قائلان به وجوب احتیاط دو قسم است: ۱. ادله عامه که فقه‌های اخباری در دانش اصول در جهت اثبات وجوب احتیاط در مقابل اصولی‌ها اقامه کرده‌اند، ۲. ادله خاصه

که در خصوص احکام فروج دلالت بر وجوب احتیاط دارد. در این قسمت به صورت گذرا به برخی از ادله هر یک از دو قسم و پاسخ آنها اشاره می‌شود.

۴-۱. ادله عامه

فقهای اخباری به چند آیه، طوائفی از روایات، اجماع و عقل برای اثبات وجوب احتیاط در شبهات تحریمیه پس از فحص تمسک جست‌اند و در مقابل فقهای اصولی پاسخ‌های متعددی داده‌اند که در کتاب‌های اصولی به تفصیل مطرح شده است، اما به جهت محدودیت صفحات مجله و آشنایی مخاطبان با این مباحث، از طرح آنها می‌گذریم.

۴-۲. ادله خاصه

در این بخش، از ادله‌ای بحث می‌شود که در خصوص شبهات مرتبط با فروج، از جمله تلقیح مصنوعی، بر وجوب احتیاط دلالت دارد.

۴-۲-۱. آیات

در این باره به آیاتی از جمله «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (نور، ۳۱؛ نساء، ۲۳؛ مؤمنون، ۷-۵) تمسک کرده‌اند.

تقریر دلالت: این آیات بر وجوب حفظ آلت تناسلی از سوی زنان دلالت دارد و بر اساس قاعده و حذف متعلق حکم، کاشف از عموم است. پس آیات بر حرمت تلقیح مصنوعی به‌عنوان یک مصداق دلالت دارد.

نقد: پاسخ‌های مختلفی از دلالت آیات بر حرمت تلقیح داده شده است؛ از جمله اینکه حفظ فروج کنایه از لواط و زنا است (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۵، ص ۱۰)، پس شامل تلقیح مصنوعی نمی‌شود.

ثانیاً: روایات دلالت دارد بر اینکه مقصود از آیاتی که دلالت بر وجوب حفظ فرج دارد، حفظ از زنا و لواط است، جز آیه نور که مقصود از آن حفظ از نگاه غیرشوهر

است؛ به‌عنوان مثال، روایت زبیری عن ابی عبد الله علیه السلام: «كُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ مِنْ حِفْظِ الْقُرْجِ فَهُوَ مِنَ الرَّنَى إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظْرِ» (حر عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۵، ص ۱۴۶).

۲-۲-۴. روایات

روایت اول: در معتبره شعیب آمده است: «فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام هُوَ الْقُرْجُ وَأَمْرُ الْقُرْجِ شَدِيدٌ وَمِنْهُ يَكُونُ الْوَلَدُ وَنَحْنُ نَحْتَاطُ فَلَا يَتَزَوَّجَهَا» (حر عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۰، ص ۲۵۸). شعیب حداد به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند که یکی از شیعیان قصد ازدواج با زنی را دارد که شوهر سنی‌اش او را طبق مذهب اهل سنت طلاق داده است. آیا شما اجازه می‌دهید که با او ازدواج کند؟ حضرت فرمودند: «این مطلب مرتبط با احکام فروج است و حکم فروج مهم است، زیرا فرزند از آن پدید می‌آید؛ از این رو ما در اینگونه امور احتیاط می‌کنیم، پس با این زن ازدواج نکنند.»

تقریر دلالت: ذیل روایت، اگر نگویم صریح، دست کم ظهور در وجوب احتیاط در امر فروج دارد؛ زیرا نسل از آن متولد می‌شود.

نقد اول: حضرت حکم به احتیاط را به امر عقلی، یعنی فرزندآوری معلل کرده است. این تعلیل عقلی قرینه می‌شود و بر ارشادی بودن به همین حکم عقل دلالت دارد. نقد دوم: مورد مصداق قاعده الزام است و تمامی فقها ازدواج با زنانی را که طبق فقه اهل سنت طلاق داده شده‌اند، از باب قاعده الزام صحیح می‌دانند. پس باید فرمایشات امام در ذیل روایت، حمل بر استحباب و ارشاد به جایگاه و تأثیر زن در نسل انسان شود؛ از این رو شایسته دقت و احتیاط است.

نقد سوم: احتمال زیاد داده می‌شود که سؤال‌کننده می‌دانسته که ازدواج با زن مطلقه طبق فقه اهل سنت از باب قاعده الزام صحیح است، ولیکن شک داشته است که آیا شرایط لازم در فقه اهل سنت در طلاق رعایت شده یا نه. پس توصیه حضرت به احتیاط، حمل بر استحباب می‌شود؛ چون شبهه موضوعیه است و در شبهات موضوعیه، تحقیق و احتیاط واجب نیست، بلکه مستحب است. سند روایت معتبر است، زیرا سند شیخ به حسین بن سعید صحیح است و از حسین بن سعید اهوازی تا امام علیه السلام، همه راویان امامی و ثقة‌اند.

روایت دوم: معتبره مسعدة بن زیاد عن جعفر عن آبائه: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: لَا تَجَامَعُوا فِي النِّكَاحِ عَلَى الشَّبْهَةِ...» (حر عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۰، ص ۲۵۹).

تقریر دلالت: روایت دلالت دارد بر نهی از ازدواج‌های شبهه‌دار، مثل اینکه گزارش شود تو برادر رضاعی زن هستی، پس احتیاط در شبهات باب نکاح واجب است، حتی اگر شبهه بدوی باشد؛ زیرا «وقفوا عند الشبهة» اطلاق دارد.

نقد اول: مورد روایت شبهه موضوعیه است، زیرا امام علیه السلام به زنی مثال زده که احتمال دارد خواهر رضاعی باشد و احتیاط در شبهات موضوعیه بالاتفاق واجب نیست، زیرا فحص در شبهات موضوعیه لازم نیست. بنابراین احتیاط در روایت، حمل بر استحباب می‌شود.

نقد دوم: جمله «وقفوا عند الشبهة» در نسخه‌های جدید تهذیب نیست. این اختلاف نسخه روایت را از قابلیت استدلال ساقط می‌کند.

نقد سوم: روایت باید بر شبهات قبل از فحص حمل شود، زیرا تعلیل «فان الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلکة» هنگامی صادق است که وقوع در هلاکت با ترک احتیاط قطعی باشد. این امر ویژه شبهات قبل از فحص است، پس خارج از موضوع بحث است.

سند: اعتبار دارد، زیرا استناد شیخ طوسی به محمد بن احمد بن یحیی که اشعری است تمام است، و باقی رجال سند امامی و ثقه‌اند؛ هرچند هارون بن مسلم از نظر اعتقادی متهم به جبر شده است. اما مسعدة توثیق خاص ندارد، ولیکن چون روایت زیاد نقل کرده و ضعفی هم درباره‌اش گفته نشده، مورداستناد است (شیخ انصاری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۱۳۷).

روایت سوم: در صحیح ابی بصیر آمده است: «سألت ابا جعفر عن رجل تزوج امرأة فقالت أنا حُبلی وانا أختک من الرضاعة و انا علی غیر عِدَّةٍ قال فقال ان کان دخل بها وواقعها فلا یصدقها وان کان لم یدخل بها ولم یواقعها فلیخبر ولیسأل اذا لم یکن عرفها قبل ذلک» (حر عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۰، ص ۲۹۶).

تقریر دلالت: ابابصیر درباره ازدواجی سؤال می‌کند که از سوی زن سه شبهه بر آن وارد شده است: حمل از دیگری، خواهر رضاعی، و درعه‌بودن. حضرت می‌فرماید: «اگر این شبهات پس از ارتباط زناشویی بوده اعتنا نکند و اگر قبل از ارتباط زناشویی بوده باید احتیاط و تحقیق کند. پس روایت دلالت دارد بر کبرای کلی و جوب احتیاط در شبهات موضوعیه مرتبط با فروج.

نقد اول: مورد استشهد در نسخه کافی «فلیختبر» و در نسخه فقیه «فلیحتط»، و در نسخه تهذیب «فلیتحرّ» است. این اختلاف نسخه‌ها روایت را از قابلیت استدلال ساقط می‌کند.

نقد دوم: روایت دلالت دارد بر استحباب احتیاط، نه وجوب آن، زیرا مورد سؤال جایی است که عقد محقق شده و شک داریم که صحیح واقع شده یا فاسد. مقتضای قاعده اصالةالصحة و مقتضای قاعده فراغ، حمل بر صحت است، زیرا در اصول ثابت شده که قاعده فراغ مختص باب صلاة نیست (خوئی، ۱۴۲۶ق، ج ۷، ص ۳۲۲). ثانیاً دلیل اخص از مدعا است، زیرا مورد بحث اعم از شبهات موضوعیه و حکمیه است و سؤال در شبهه موضوعیه است و در شبهات موضوعیه فحص لازم نیست و جریان برائت اتفاقی است.

نقد سوم: دلیل تفصیل میان قبل از دخول و پس از دخول مشخص نیست، زیرا عقد برای عاقد، با قاعده فراغ عقد صحیح است، چه پیش از دخول و یا بعد از دخول باشد؛ و عقد درباره غیر عاقد، با قاعده اصالةالصحة در فعل دیگران صحیح است و فرقی نمی‌کند که شک قبل از ارتباط باشد و یا بعد از ارتباط. بنابراین وجه تفصیل مبهم است، در نتیجه روایت نیز مبهم می‌شود و قابل استدلال نخواهد بود.

سند: راویان حدیث ثقه و امامی‌اند و ابابصیر هم اسدی است، پس معتبر است.

روایت چهارم: در خبر علاء بن سیابه آمده است: «فقال سبحان الله ما اجور هذا الحكم وافسده ان النكاح احرى واحرى ان يحتاط فيه وهو فرج ومنه يكون الولد» (حر عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۰، ص ۲۵۹).

توضیح: فقهای اهل سنت در عزل از وکالت تفصیل می‌دهند بین وکالت در نکاح و

غیرنکاح؛ اگر خبر عزل و کیل در امر ازدواج بعد از عقد برسد، عزل محقق نشده و عقد صحیح است و اگر بعد از دخول برسد، وکالت باطل و عقد نیز فاسد است، اما عزل از وکالت در غیرنکاح مشروط است به رسیدن خبر عزل به وکیل.

تقریر دلالت: حضرت تفصیل اهل سنت را صحیح نمی‌داند و می‌فرماید: «احتیاط در نکاح سزاوارتر از احتیاط در غیرنکاح است، زیرا مرتبط به فرج است و فرزند و نسل از آن نشأت می‌گیرد.» پس روایت دلالت دارد بر کبرای کلی لزوم احتیاط در باب نکاح. نقد اول: حضرت فرمود «احری»، و کلمه احری از نظر ماده به معنای سزاواری و شایستگی است، نه وجوب، و از نظر شکلی افعال تفصیل است که دلالت بر رجحان دارد، نه لزوم.

نقد دوم: حضرت حکم به احتیاط را به امر عقلی فرزندآوری معلل کرده است. این تعلیل عقلی قرینه می‌شود که حکم به احتیاط، ارشاد به همین حکم عقلی است. نقد سوم: با توجه به اینکه عقد نکاح و کیل صحیح است، زیرا خبر عزل به وکیل نرسیده، وجهی برای لزوم احتیاط نیست.

نقد چهارم: سند ضعیف است، زیرا روایت دو سند دارد: ۱. طریق شیخ به محمد بن علی بن محبوب است که در آن علی بن حسان هست. وی مشترک است میان واسطی که ثقة است، و الهاشمی که ضعیف است، پس سند اعتبار ندارد. ۲. سند شیخ به علاء هم ضعیف است، چون علاء بن سیاه مجهول است و در رجال مدح و ذمی ندارد، مگر اینکه بعضی از اصحاب اجماع از جمله ابان بن عثمان از او روایت کرده‌اند، در حالی که صرف نقل اصحاب اجماع موجب اعتبار نمی‌شود. پس سند در هر دو صورت روایت ضعیف است.

۳-۴. جمع بندی

تابه حال چهار روایت که می‌تواند مستند فتوا به حرمت تلقیح مصنوعی باشد، بررسی شد و اشکالات سندی و دلالتی، مانع از صحت استدلال به آنها است.

۴-۳-۱. روایات معارض

افزون بر اشکالات دلالی و سندی بر روایاتی که مستند قائلان و وجوب احتیاط، از جمله در تلقیح مصنوعی است، این دسته از روایات معارض است با دسته دیگری از روایات که دلالت دارد بر عدم وجوب احتیاط در شبهات تحریمیه بعد از فحوص، در خصوص بحث فروج، و از جمله تلقیح مصنوعی:

روایت اول: «عن الحلبي عن ابي عبد الله عليه السلام قال سألته عن امرأة تزعم انها أرضعت المرأة والغلام ثم تنكر بعد ذلك فقال تصدق اذا انكرت ذلك قلت فانها قالت وادعت بعد بانى قد ارضعتها قال لا تصدق» (حر عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۰، ص ۴۰۱).

تقریر دلالت: امام صادق عليه السلام درباره زنی که ادعای شیردادن به دختر و پسری را کرده، سپس انکار کرده و بار دوم ادعای اول را تکرار کرده است، می فرماید: «انکارش را تصدیق و ادعای رضاع قبل و بعد را ترتیب اثر نده و احکام رضاع را بر آن بار مکن.» پس معلوم می شود کبرای کلی وجوب احتیاط در امور فروج، از جمله در تلقیح مصنوعی، ناتمام است، زیرا با اینکه مورد سؤال مصداق شبهه تحریمیه امر فروج است، امام عليه السلام امر به احتیاط نکرده اند.

سند: صحیحه است و بر مبنای کسانی که قائل اند پدر علی بن ابراهیم توثیق خاص ندارد، حسنه است.

روایت دوم: «موثقه سعدة بن صدقه عن ابي عبد الله عليه السلام قال سمعته يقول كل شي هو لك حلال حتى تعلم انه حرام بعينه فتدعه من قبل نفسك وذلك مثل... امرأة تحتك وهي اختك او رضيعك» (حر عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۷، ص ۸۹).

تقریر دلالت: دلالت اصل در هر چیزی حلیت است، مگر علم حاصل شود بر حرمت به خصوص چیزی؛ در این صورت بر شخص عالم واجب است آن را رها کند. سپس حضرت زنی را مثال می زند که به عنوان همسر در اختیار انسان است و شاید خواهر تنی یا رضاعی باشد. از این روایت استفاده می شود که در شبهات مربوط به فروج، از جمله تلقیح مصنوعی، احتیاط واجب نیست، زیرا حضرت تصریح می کند که

اگر شبهه شود در خواهر تنی یا رضاعی بودن همسر، احتیاط واجب نیست.

سند: کلینی برای علی بن ابراهیم صاحب تفسیر، و هارون بن مسلم روایت کرده است که پدرش سعدان است، هر چند از نظر اعتقادی گرایش به تفکر جبر داشته، ولی امامی و ثقه است و مسعدة بن صدقه گفته شده عامی است، ولی این نسبت صحیح نیست و در هر صورت ثقه است، زیرا اولاً از رجال تفسیر قمی است، ثانیاً شیخ روایت بسیاری از بزرگان بوده است و ثالثاً کثیرالروایه بوده و درباره او ضعفی نقل نشده است.

روایت سوم: در موثقه سماعه آمده است: «عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ أُمَّةً أَوْ تَمَتَّعَ بِهَا فَحَدَّثَنِي رَجُلٌ ثِقَةً أَوْ غَيْرَ ثِقَةٍ فَقَالَ إِنَّ هَذِهِ إِمْرَأَتِي وَلَيْسَتْ لِي بَيِّنَةٌ فَقَالَ: إِنْ كَانَ ثِقَةً فَلَا يَفْرُبُهَا وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ثِقَةٍ فَلَا يَقْبَلُ مِنْهُ» (حر عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۰، ص ۳۰۰؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۸ق، ج ۷، ص ۴۶۱).

تقریر دلالت: امام علیه السلام درباره مردی که ادعا کرده شوهر زن شوهردار است و لکن بینه ندارد، می فرماید: «اگر مدعی ثقه است، ادعایش قبول و اگر ثقه نیست ادعایش را قبول نکن»؛ در حالی که اگر ثقه هم نباشد، احتمال صدق داده می شود، پس مصداق شبهه تحریمیه در امر فروج محسوب می شود. با این وصف امام احتیاط را واجب نکرده است.

سند: رجال روایت از اجلاء هستند؛ زرعه واقفی و سماعه منتسب به وقف است و سند شیخ طوسی به حسین بن سعید نیز تمام است. پس سند موثقه است.

روایت چهارم: در معتبره عمر بن حنظله آمده است: «قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام اني تزوجت امرأة فسالته عنها فقبل فيها فقال وانت لم سأل ايضاً ليس عليك التفتيش» (حر عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۰، ص ۳۰۱).

تقریر دلالت: عمر بن حنظله می گوید با زنی ازدواج کردم و پس از عقد تحقیق کردم که درباره اش چه چیزهایی گفته می شود. حضرت فرمود: «چرا پرس و جو کردی؟ تفتیش وظیفه شما نیست». روایت دلالت دارد که لازم نیست به شبهات ازدواج ترتیب اثر داده شود، بلکه تحقیق امری است مذموم.

در سند، علی بن حکم واقع شده که انباری است و عمر بن حنظله اختلافی است و بیشتر صاحب نظران او را مورد اعتماد می دانند. پس سند معتبره است.

روایت پنجم: در موثقه اسحاق بن عمار آمده است: «قال قلت انی تزوجت امرأة متعة فوق فی نفسی ان لها زوجاً ففتشت عن ذلك فوجدت لها زوجاً قال ولم فتشت» (حر عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۱، ص ۳۱، ح ۳).

تقریر دلالت: امام علی علیه السلام در پاسخ عمار مبنی بر اینکه مردی پس ازدواج موقت درباره زن تفتیش می کند و معلوم می شود شوهر دارد، حضرت او را به خاطر تفتیش مذمت می کند و می فرماید چرا تحقیق کردی؟ روایت به خوبی دلالت دارد بر اینکه تحقیق و ترتیب اثر بر شبهات باب نکاح، از جمله در تلقیح مصنوعی، نه تنها واجب نیست بلکه مذموم است.

سند: موثقه است به جهت انتساب اسحاق بن عمار به مذهب فطحی. عثمان بن عیسی، کلابی است و از اصحاب اجماع است.

روایت ششم: در روایت مهران بن محمد آمده است: «عن ابی عبد الله علیه السلام قال قيل له ان فلاناً تزوج امرأة متعة فقيل له ان لها زوجاً فسألها فقال ابو عبد الله علیه السلام ولم سألها» (حر عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۱، ص ۳۱، ح ۴).

تقریر دلالت: امام صادق علیه السلام در این روایت مانند موثقه عمار، نه تنها پرس وجو و تحقیق درباره شبهات مربوط به فروج را مدح نمی کند، بلکه توبیخ می کند. این مطلب کاشف است از اینکه کبرای کلی وجوب احتیاط در احکام فروج ناتمام است. روایات دیگری نیز بر این مدعا دلالت دارد (حر عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۱، ص ۳۲).

۴-۳-۲. راه حل تعارض

به حسب ظاهر، میان روایات دال بر لزوم احتیاط چشم پوشی از اشکالات دلالتی و سندی، با روایات دال بر عدم لزوم احتیاط، تعارض محقق است و برای رفع تعارض راه حل هایی ممکن است.

توضیح: این بحث بر مبنای رأی کسانی که دلالت طائفه اول را بر وجوب احتیاط در شبهات مرتبط با فروج بپذیرند، راه دارد، اما بر مبنای نظر کسانی که بر دلالت طائفه اول از نظر سند و دلالت خدشه می کنند، از جمله راقم این سطور، نوبت به این بحث نمی رسد.

راه حل اول: دلالت طائفه اول بر وجوب احتیاط به اطلاق و ظهور است؛ از باب نمونه کلمه «اخری» با ظهور دال بر وجوب احتیاط است، ولی طائفه دوم نص و صریح در عدم وجوب احتیاط است. از باب نمونه، «کل شیء حلال» صریح در عدم وجوب احتیاط است و مقتضای قاعده تقدیم نص بر ظهور این است که به طائفه دوم اخذ و طائفه اول را حمل بر استحباب کنیم و از آنجا که مورد از امور مهمه است استحباب مؤکد می‌شود.

راه حل دوم: شیخ انصاری از اول دلالت طائفه اول را بر وجوب نمی‌پذیرد و می‌فرماید که طائفه اول دال است بر استحباب احتیاط و طائفه دوم دال است بر عدم استحباب، و در مقام رفع تعارض به طائفه اول اخذ می‌کند؛ زیرا طائفه دوم در مقام بیان تسهیل است و تسهیل با حکم تریخی استحباب ممکن است، پس تنافی نیست (شیخ انصاری، ۱۴۲۴ق، ج ۲۵، ص ۱۳۷).

اشکال: این جمع افزون بر اینکه خلف فرض است، زیرا فرض در جایی بود که تعارض میان وجوب و عدم وجوب احتیاط باشد، نه استحباب و عدم استحباب، اشکالات دیگری نیز ممکن است داشته باشد، ولیکن چون جمع شیخ با مدعای نوشته مبنی بر عدم دلالت روایات طائفه اول بر وجوب احتیاط در احکام فروج منافات ندارد، از بیان اشکالات صرف نظر می‌شود.

راه حل سوم: بر فرض تنزل از راه حل اول و دوم، پس از عدم دسترسی به جمع عرفی و نبود مرجح، یا قائل به تساقط می‌شویم که بر این مبنا پس از تعارض هر دو طائفه تساقط می‌کنند و مرجع عموم آیات و روایات دال بر براءت و حلیت است، پس قاعده وجوب احتیاط در احکام فروج از جمله تلقیح مصنوعی ناتمام است، و یا قائل به تخییر می‌شویم که باز هم نتیجه عدم وجوب احتیاط است، چون اخذ به روایات دال بر عدم وجوب احتیاط جایز است و اگر نوبت به اعمال مرجحات باب تعارض برسد، ترجیح با روایات طائفه دوم است؛ زیرا موافق با اطلاق آیات و روایات دال بر براءت هستند؛ مثل حدیث رفع، و از سوی دیگر، در مبحث پیشینه ثابت شد که مسئله وجوب احتیاط برخوردار از اجماع و شهرت نیست تا گفته شود طائفه اول موافق اجماع و شهرت است.

۴-۳-۲-۱. اشکال

ممکن است نظر قائلان و جوب احتیاط در فروج به این باشد که در موارد شک در حکمی از احکام مربوط به فروج، مقتضای استصحاب عدم تحقق زوجیت و یا مقتضای اصالةالفساد در عقود، بطلان عقد است، پس واجب است اجتناب شود.

نقد: اولاً این استدلال اختلافی است، زیرا برخی از بزرگان از جمله آیت‌الله خوئی، استصحاب را در شبهات حکمیه جاری نمی‌دانند (خوئی، ۱۴۲۶ق، ج ۴۸، ص ۱۰۶). ثانیاً این استدلال بر فرض صحت اخص از مدعا است زیرا این مطلب در خصوص مواردی که شک در صحت و فساد عقد باشد صحیح، و مقتضای اصل عدم تحقق زوجیت است، مثل شک در اینکه عقد نکاح با معاطات و یا صیغه فارسی محقق می‌شود یا نه. ولی در مواردی که شک در صحت و فساد عقد نباشد، جایی برای استصحاب وجود ندارد. پس در حرمت تلقیح مصنوعی که اطمینان به صحت عقد داریم، این مطلب ناتمام است، پس نمی‌توان به‌طور مطلق بگوییم احتیاط در شبهات مربوط به فروج واجب است. بنابراین تلقیح مصنوعی از حیث استقرار نطفه مرد اجنبی در رحم جایگزین، صرف نظر از محرّمات جانبی اشکال ندارد و مصداق قاعده و جوب احتیاط نیست.

نتیجه‌گیری

از آنچه ملاحظه شد، مطالبی حاصل می‌شود؛ از جمله:

۱. با توجه به آمار بیست درصدی زنان و مردان نازا و آسیب‌های زیاد آن در عرصه‌های مختلف، این امر معضل اجتماعی برای نظام و جامعه محسوب می‌شود و از آنجا که یکی از راه‌های اصلی درمان آن تلقیح مصنوعی در رحم جایگزین مبتلا به منع شرعی است، بحث از جواز و عدم جواز تلقیح مصنوعی اهمیت و ضرورت دارد.
۲. اصلی‌ترین مستند مخالفان تلقیح مصنوعی، قاعده احتیاط در امور هامه، از جمله شبهات مرتبط با فروج است. پس از نقد و بررسی ادله مخالفان ثابت شد هر یک از ادله مبتلا به اشکالات سندی و دلالی است و دلالت بر حرمت تلقیح مصنوعی ندارد.

۳. روایاتی درباره شبهه‌های مرتبط با احکام فروج، دلالت بر آن دارد که احتیاط واجب نیست و آنها نیز جواز تلقیح مصنوعی در رحم جایگزین است.
۴. در پایان برخی از اشکالات، از جمله اینکه وجوب احتیاط مستند به اصالةالفساد در عقود و استصحاب عدم زوجیت است، پاسخ داده شد، مبنی بر اینکه درباره تلقیح مصنوعی، شک در صحت عقد نکاح نیست تا استصحاب و یا اصالةالفساد جاری شود.
۵. سرانجام ثابت شد که درمان نازایی زوجین از طریق تلقیح مصنوعی در رحم جایگزین با رعایت محرّمات جانبی جایز است.

فهرست منابع

* قرآن.

۱. امام خمينى، سيدروح الله. (۱۳۸۵). تحرير الوسيله (ج ۲). تهران: نشر آثار امام خمينى علیه السلام.
۲. بحر العلوم، محمد بن محمد تقى. (۱۴۰۳ق). بلغة الفقيه. تهران: مكتبة الصادق علیه السلام.
۳. بحراني، شيخ يوسف. (۱۴۰۸ق). الحدائق الناضرة فى احكام العترة الطاهرة. قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
۴. تبريزى. جواد. (۱۴۱۶ق). استفناتات جديد. قم: دار الصديقة الشهيدة.
۵. حر عاملى، محمد بن حسن. (۱۴۱۰ق). وسائل الشيعه (ج ۱۷، ۲۰ و ۲۱). قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۶. حلّى، الحسن بن يوسف بن المطهر. (۱۳۸۸ق). ايضاح الفوائد. تهران: مؤسسه كوشانپور.
۷. حلّى، الحسن بن يوسف بن المطهر. (۱۴۱۴ق). تذكرة الفقها. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۸. خامنه‌اى، سيدعلى. (۱۳۹۴). اجوبة الاستفناتات. تهران: فقه روز.
۹. خوئى، ابوالقاسم. (۱۴۲۶ق). موسوعة الامام الخوئى: المستند فى شرح العروة (الطبعة الثانية). قم: مؤسسه احياء آثار الامام الخوئى.
۱۰. روحانى، سيدصادق. (۱۴۲۹ق). فقه الصادق. قم: هاتف.
۱۱. سبزوارى، سيدعبدالاعلى. (۱۴۱۳ق). مهذب الاحكام. قم: المنار.
۱۲. سيستانى، سيدعلى. (۱۴۱۴ق). منهاج الصالحين (ج ۱). قم: دفتر معظم له.
۱۳. شهيد اول، محمد بن مكى عاملى. (۱۴۱۴ق). غاية المراد. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى.
۱۴. شهيد ثانى، زين الدين بن على. (۱۴۱۴ق). مسالك الافهام. قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه.
۱۵. شيخ انصارى، مرتضى. (۱۴۱۵ق). نكاح. قم: مجمع الفكر الاسلامى.
۱۶. شيخ انصارى، مرتضى. (۱۴۲۴ق). موسوعة الفقهية. قم: مجمع الفكر الاسلامى.
۱۷. شيخ انصارى، مرتضى. (۱۴۲۷ق). فرائد الاصول (ج ۲۵). قم: مجمع الفكر الاسلامى.
۱۸. شيخ طوسى، محمد بن حسن. (۱۳۷۸ق). تهذيب الاحكام. قم: دار التعارف للمطبوعات.
۱۹. صافى گلپايگانى، لطف الله. (۱۴۰۹ق). مجمع المسائل (ج ۲). قم: دارالقرآن.
۲۰. طباطبائى، سيدعلى. (۱۴۱۲ق). رياض المسائل. قم: مؤسسه النشر الإسلامى.

۲۱. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۶۳). المیزان (ج ۱۵). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. فاضل آبی، حسن بن علی. (۱۴۱۶ق). کشف الرموز (ج ۱۲). تهران: منشورات مکتبه الصدر.
۲۳. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۲۳ق). تفصیل الشریعة. قم: مرکز فقه الاثمة الاطهار.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۲۹ق). الکافی (الطبعة الاولى). قم: دارالحديث.
۲۵. محسنی، محمد آصف. (۱۳۸۲). الفقه والمسائل الفقهیه. قم: بوستان کتاب.
۲۶. محقق ثانی، علی بن الحسین بن عبدالعالی الکرکی. (۱۴۰۸ق). جامع المقاصد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۲۷. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۵ق). مجمع الفائدة والبرهان. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ق). استفنات جدید (ج ۱). قم: مدرسه امیرالمؤمنین.
۲۹. میرزای شیرازی، محمد حسن. (۱۴۰۹ق). تقریرات آیه الله المجدد الشیرازی. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۳۰. نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۷). جواهر الاحکام. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۳۱. نراقی، ملا احمد. (۱۴۱۸ق). مستند الشیعه فی احکام الشریعة (الطبعة الاولى). مشهد: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۳۲. وحید خراسانی، حسین. (۱۳۷۹). توضیح المسائل. قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.

References

* The Holy Qur'an.

1. Bahr al-Ulum, M. (1403 AH). *Balghah al-Faqih*. Tehran: Maktabah al-Sadigh. [In Arabic]
2. Bahrani, Y. (1408 AH). *al-Hada'eq al-Nazirah fi Ahkam al-Itrat al-Tahirah*. Qom: Mu'asisah al-Nashr al-Islami. . [In Arabic]
3. Fadhil Abi, H. (1416 AH). *Kashf al-Rumouz*. (vol. 12). Tehran: Al-Sadr School Publications. [In Arabic]
4. Fazel Lankarani, M. (1423 AH). *Tafsil al-Shariah*. Qom: Jurisprudential Center of Pure Imams. [In Arabic]
5. Heli, H. (1388 AH). *Izah al-Fawa'id*. Tehran: Kooshanpour Institute. . [In Arabic]
6. Heli, H. (1414 AH). *Tadkirah al-Foqaha*. Qom: Alulbayt Institute. . [In Arabic]
7. Hor Ameli, M. (1410 AH). *Wasa'il al-Shia*. (vols. 17, 20, & 21). Qom: Alulbayt Institute for the Revival of Works. . [In Arabic]
8. Imam Khomeini, S. R. (1385 AP). *Tahrir al-Waseela*. (vol. 2). Tehran: The Institute for the works of Imam Khomeini. [In Persian]
9. Khamenei, S. A. (1394 AP). *Ujubah al-Istifta'at*. Tehran: Fiqh Rooz. [In Persian]
10. Khoei, A. (1426 AH). *Encyclopaedia of Imam Al-Khoei: al-Mustanad fi Sharh al-Urwat*. (al-Tab'ah al-Thaniyah). (2nd ed.). Qom: The Institute for Revival of Imam Al-Khoei's Works. . [In Arabic]
11. Koleyni, M. (1429 AH). *Al-Kafi*. (1st ed.). Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
12. Makarem Shirazi, N. (1427 AH). *New Religious Questions*. (vol. 1). Qom: Amir al-Mo'menin School. [In Arabic]
13. Mirza Shirazi, M. H. (1409 AH). *Transcriptions of Ayatollah Al-Mujadded Al-Shirazi*. Qom: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
14. Mohseni, M. A. (1382 AP). *Jurisprudence and jurisprudential issues*. Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
15. Muhaqiq Thani, A. (1408 AH). *Jame' al-Maqasid*. Qom: Mu'asisah Alulbayt le Ihya al-Torath. [In Arabic]
16. Muqaddas Ardabili, A. (1405 AH). *Majma' al-Fa'idah va al-Burhan*. Qom: Islamic Publications Institute. [In Arabic]

17. Najafi, M. H. (1367 AP). *Jawahir al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyah. [In Persian]
18. Naraq, M. A. (1418 AH). *Mustanad al-Shia fi Ahkam al-Shariah*. (1st ed.). Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
19. Rouhani, S. S. (1429 AH). *Fiqh al-Sadiq*. Qom: Hatef. [In Arabic]
20. Sabzevari, S. A. (1413 AH). *Muhadab al-Ahkam*. Qom: Al-Manar. [In Arabic]
21. Safi Golpayegani, L. (1409 AH). *Majma al-Masa'il*. (Vol. 2). Qom: Dar al-Quran. [In Arabic]
22. Shahid Awal, M. (1414 AH). *Qayat al-Murad*. Qom: Islamic Propaganda Office Publications. [In Arabic]
23. Shahid Thani, Z. (1414 AH). *Masalik al-Afham*. Qom: Mu'asisah al-Ma'arif al-Islamiyah. [In Arabic]
24. Sheikh Ansari, M. (1415 AH). *Marriage*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
25. Sheikh Ansari, M. (1424 AH). *Mawsu'at al-Fiqhiyah*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
26. Sheikh Ansari, M. (1427 AH). *Faraid al-Osul* (vol. 25). Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
27. Sheikh Tusi, M. (1378 AH). *Tahdhib al-Ahkam*. Qom: Dar Al-Taarof le al-Matbu'at. [In Arabic]
28. Sistani, S. A. (1414 AH). *Minhaj Al-Saleheen*. (Vol. 1). Qom: Ayatollah Sistani's Office. [In Arabic]
29. Tabatabaei, S. A. (1412 AH). *Riyadh al-Masa'il*. Qom: Islamic Publications Institute. [In Arabic]
30. Tabatabaei, S. M. H. (1363 AP). *al-Mizan*. (Vol. 15). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
31. Tabrizi, J. (1416 AH). *New Religious Questions*. Qom: Dar al-Sadiqah al-Shahidah. . [In Arabic]
32. Vahid Khorasani, H. (1379 AP). *Tawzih al-Masa'il*. Qom: Imam Baqir School. [In Persian]